

## A Critical Review of the Book “Scientific Research; Bases, Methods and Principles, Procedures”

Sadq Askari\*

### Abstract

Critical analysis of scientific productions highlights the strengths and weaknesses of authors and avoids the weaknesses. Achieving the desired perfection in the compilation of academic resources is possible after explicit and constructive criticism. In this article, “*Scientific Research, Its Foundations, Methods and Principles, Procedures*”, written by Mostafa Robhi Alianhas, been criticized. The results of the critique and review of this book show that this book, despite some strengths such as the use of many and varied sources, the use of exercises and tables and diagrams that have played an effective role in explaining and teaching concepts, however, have many defects in the field of form and content, unfortunately. The most important formal defects include lack of strict observance of general rules of writing, interpretive and syntactic errors due to incorrect use of words and combinations, lack of formal comprehensiveness due to lack of introduction and methodical conclusion. The most important content shortcomings include repetition of the subject, incomplete arrangement and chaptering, superficial and hasty review, reliance on compilation and collection, and as a result, lack of critique and innovation.

**Keywords:** Scientific Research, Mostafa Alian, Methods and Procedures, Book Review

---

\* Associate Professor, Semnan University, Iran, S\_askari@semnan.ac.ir

Date received: 12/10/2020, Date of acceptance: 16/03/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماهنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۲۸۷ - ۳۱۱

## تحلیل انتقادی کتاب: «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیبه، إجراءاته»

(پژوهش علمی؛ مبانی، روش‌ها و ضوابط)

صادق عسکری\*

### چکیده

نقد و تحلیل انتقادی تولیدات علمی، نقاط قوت و ضعف نویسندگان را برجسته کرده، و تقویت نقاط قوت و اجتناب از نقاط ضعف را به دنبال خواهد داشت. رسیدن به کمال مطلوب در تدوین منابع دانشگاهی پس از نقدهای صریح و سازنده میسر می‌باشد. در این نوشتار کتاب «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیبه، إجراءاته» اثر ربیحی مصطفی علیان، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از بررسی این کتاب نشان می‌دهد که کتاب حاضر علی‌رغم برخی نکات قوت از قبیل استفاده از منابع فراوان و متنوع، استفاده از تمرینها و جدولها و نمودارها که در تبیین و آموزش مفاهیم نقش مؤثری داشته است، متأسفانه دارای نواقص شکلی و محتوایی فراوانی است. مهمترین نواقص شکلی عبارتند از: عدم رعایت دقیق قواعد عمومی نگارش، خطاهای لغوی، عدم رعایت قواعد صرف و نحو، خطاهای تعبیری و انشایی ناشی از عدم استعمال درست واژه‌ها و ترکیبها، فقدان جامعیت صوری ناشی از فقدان مقدمه روشمند و فقدان خاتمه در پایان فصلها و پایان کتاب. مهمترین نواقص محتوایی هم شامل: تکراری بودن موضوع، تنظیم و فصل بندی ناقص، بررسی سطحی و شتابزده، تکیه بر تدوین و جمع آوری و در نتیجه فقدان نقد و نوآوری.

**کلیدواژه‌ها:** البحث العلمي، ربیحی مصطفی علیان، روش تحقیق، نقد کتاب.

\* دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، S\_askari@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

## ۱. مقدمه

نقد و نقّادی از دیرباز در زندگی انسان سابقه داشته، و انسانها در طول تاریخ افکار و اندیشه‌های خود را در زمینه‌های متعدّد دینی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و ادبی، با کمک منتقدان دلسوز و یا حتّی عیبجویان و دشمنان کینه توز اصلاح نموده اند. لذا می‌توان گفت ارزش نقد ادبی از ارزش خود آثار ادبی کمتر نیست، چرا که شناساندن نقاط ضعف و قوت یک اثر باعث اجتناب نویسنده یا حتّی دیگر نویسندگان بعدی از نواقص مشابه گردیده و فواید آثار فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

آنچه در این نوشته می‌آید ملاحظات مختصری است پیرامون کتاب «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسیبه، إجراءاته» اثر ربیحی مصطفی علیان. هدف از این پژوهش بررسی شکلی و محتوایی کتاب فوق‌الذکر می‌باشد. ما در این پژوهش برآنیم تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، و پس از معرفی کلی اثر، نتیجه ارزیابی خود را در دو مبحث شکل و محتوا متمرکز نموده، و از روی صدق و اخلاص، و در عین حال صریح و بی‌پرده ملاحظاتی را که در حین مطالعه و بررسی این اثر به ذهن خواننده خطور کرده است، برای نویسنده محترم و علاقمندان به حوزه نقد آثار علمی و آموزشی به رشته تحریر در آوریم. به این امید که این تلاش گام کوچک و مؤثری باشد برای ارتقای سطح علمی آثاری که در آینده ممکن است در این زمینه به زیور چاپ آراسته گردد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که بررسی‌های انجام شده نشان داده است که این کتاب تا کنون در ایران مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است، با این حال کتابهای متعدد روش تحقیق که در رشته‌های مختلف علوم انسانی در داخل و خارج از کشور چاپ شده‌است، همچنین نقدهای متعددی که توسط شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی وزارت علوم انجام شده و در پژوهشنامه انتقادی متون چاپ شده است، مانند مقاله «نقد و تحلیل کتاب روش تحقیق به زبان ساده»، از مراد اسماعیلی، اردیبهشت ۹۷، و مقالات دیگری که در فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی به چاپ رسیده است، مانند مقاله «نقد کتاب فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی»، از مصطفی همدانی، تابستان ۹۳، راهگشای این حقیر بوده است.

مهمترین سؤالاتی که در این بررسی دنبال پاسخ آن هستیم، عبارتند از: مزایا و نواقص کتاب حاضر از نظر شکل و ساختار ظاهری چیست؟ کتاب مورد نظر در زمینه کیفیت و محتوا دارای چه نکات ضعف و قوتی است؟ در این مقاله پس از معرفی کلی اثر،

تحلیل انتقادی کتاب: «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه وأساسيه، إجراءاته» ... (صادق عسکری) ۲۸۹

تلاش می‌شود در دو مبحث اصلی با عنوان ارزیابی شکلی و ارزیابی محتوایی به دو سوال فوق به تفصیل پاسخ داده شود.

## ۲. معرفی کلی کتاب

### ۱.۲ معرفی نویسنده

ربحی مصطفی علیان در سال ۱۹۵۴ در روستای یالو از استان قدس در اردن به دنیا آمده و تحصیلات کارشناسی را در رشته علوم تربیتی دانشگاه اردن و کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته کتابداری و علم سنجی به ترتیب در دانشگاه و یلز انگلستان و سپس در دانشگاه بتسبرگ آمریکا به پایان رساند. وی پس از ۲۰ سال تدریس و پژوهش در اردن و بحرین و تألیف کتابها و مقالات فراوان در زمینه علم سنجی و کتابداری، هم اکنون رئیس دانشکده علوم تربیتی دانشگاه زرقاء در اردن می‌باشد. (شعبان خلیفة، "دائرة المعارف العربية فی علوم المكتبات"؛ <http://academic.ju.edu.jo/r.elayyan/default.aspx> صفحه شخصی دکتر ربیحی علیان در سایت دانشگاه اردن).

### ۲.۲ توصیف ظاهری کتاب

کتاب مورد بررسی در ۳۴۸ صفحه در قطع وزیری توسط انتشارات "بیت الأفکار الدولية" در اردن در سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۱ هجری شمسی) چاپ شده است. این کتاب دارای نه فصل به ترتیب زیر می‌باشند:

فصل اول: مفهوم و اهداف تحقیق علمی (۲۳ صفحه).

فصل دوم: روشهای تحقیق علمی (۳۳ صفحه).

فصل سوم: مشکل و موضوع تحقیق و فرضیه ها (۱۹ صفحه).

فصل چهارم: روشها و ابزارهای جمع آوری معلومات (۷۰ صفحه).

فصل پنجم: نمونه گیری (۲۰ صفحه).

فصل ششم: آمارگیری (۶۴ صفحه).

فصل هفتم: کتابخانه ها (۴۷ صفحه).

فصل هشتم: مستندسازی و ارجاع دهی (۲۱ صفحه).

فصل نهم: نگارش گزارش تحقیق (۲۰ صفحه).

### ۳. ارزیابی شکلی

شاخص‌هایی که در ارزیابی شکلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به ترتیب عبارتند از: طراحی جلد، صحافی، حروف نگاری، صفحه آرایی، و رعایت قواعد عمومی نگارشی و ویرایشی، و در نهایت مستندسازی و ارجاع دهی.

#### ۱.۳ نکات قوت در بررسی شکلی

با بررسی شکلی کتاب از فایل پی‌دی‌اف (pdf)، باید اذعان کرد که کتاب حاضر دارای شکل و قالب خوبی است که بیانگر تجربه ناشر در حوزه نشر می‌باشد. از دیگر نکات مثبت و مزایای فنی کتاب در زمینه شکل ظاهری، حروف نگاری خوب و قابل قبول می‌باشد. انتخاب نوع خط متناسب با زبان عربی بوده و واژه‌ها و سطرها نیز با فاصله مناسبی از هم قرار گرفته‌اند. به طوری که متن برای خواننده چشم‌نواز به نظر می‌رسد. هر چند اگر حجم حروف کمی بزرگتر می‌شد، یا فاصله بین سطرها کمی بیشتر می‌شد، زیباتر جلوه می‌کرد. صفحه آرایی کتاب هم، علی‌رغم برخی نواقص که بعداً به آن اشاره می‌شود، قابل قبول است. فاصله بندها (پاراگرافها) از هم و تورفتگی ابتدای بندها باعث متمایز شدن آنها از همدیگر شده و بر زیبایی صفحه افزوده است. غلط‌های چاپی در این اثر، بسیار اندک بوده و این تعداد اندک از غلط‌های چاپی در آثار علمی قابل اغماض می‌باشد.

#### ۲.۳ نکات ضعف در بررسی شکلی

پس از بیان نکات قوت شکلی و فنی، در این بخش به بیان نکات ضعف شکلی در زمینه طراحی جلد، صحافی، حروف نگاری، صفحه آرایی، و رعایت قواعد عمومی نگارشی و ویرایشی، و در نهایت مستندسازی و ارجاع دهی، می‌پردازیم.

### ۱.۲.۳ طرح جلد

شکی نیست که طرح روی جلد، در میزان توجه و اقبال خوانندگان، تأثیر فراوان دارد. بادقت در طرح روی جلد کتاب حاضر، می‌توان گفت دقت و مهارت لازم در طراحی جلد، به‌کار نرفته‌است. به نظر حقیر در طراحی روی جلد دو نقص مشاهده می‌شود: یکی ابهام و غموض در برخی تصاویر از جمله تصویر شخصی که برگه طولانی شبیه پرینت حساب بانکی در دست دارد. ای کاش به جای این تصویر تصویر فیش تحقیق گذاشته می‌شد. و یا تصویر یک جلد کتاب که علی‌رغم ارتباط پژوهشهای کتابخانه‌ای با این تصویر، به دلیل مبهم و مه‌آلود بودن تصویر به سختی می‌توان ارتباط این تصویر را با موضوع کتاب فهمید. نقص دیگر تمرکز بر تحقیقات آزمایشگاهی در یکی از تصاویر روی جلد و همچنین در تنها تصویر پشت جلد در انتهای کتاب، که بیشتر مناسب کتابها و تحقیقات پزشکی نه پژوهش‌های علوم انسانی که موضوع اصلی این کتاب است.

### ۲.۲.۳ غلط‌های چاپی

غلط‌های چاپی در این کتاب بسیار اندک و قابل اغماض می‌باشد، ولی برای اجتناب از این اشتباهات در چاپ‌های بعدی، به برخی از آنها اشاره می‌شود: الاستیباته بدل الاستیباته (ص ۹۵). صعوبة الحصول به جای صعوبة الحصول (ص ۹۷). عندما يخفق في التعرف على، أو يقلل من أهمية أو يهمل وقائع هامة (ص ۱۱۴). [به نظر میرسد نوشتن برخی کلمات بویژه بعد از التعرف على، جا افتاده است] توجد ثلاثة أنواع من الفهارس به جای أربعة أنواع (ص ۲۶۴)، چون بعد از آن چهار نوع فهرست ذکر شده است.

### ۳.۲.۳ قواعد عمومی نگارش

یکی از نواقص شکلی بارز این کتاب، عدم رعایت دقیق قواعد عمومی نگارش و دستورزبان است که ناشی از فقدان و یرایش تخصصی اثر می‌باشد. در این بخش به نمونه‌هایی از خطاهای نگارشی و یرایشی از قبیل غلط‌های لغوی و صرفی و نحوی، اشاره می‌شود: (ارقام داخل پرانتز بیانگر شماره صفحه کتاب می‌باشد)

الفکر العلمی به جای التفكير العلمی (۲۴ و ۲۵). بحوث أساسية به جای بحوث نظرية (۲۶ و ۳۹). مجتمع الدراسة به جای مجموعة الدراسة (۲۷ و ۵۴) [نویسنده خود در صفحه ۶۲ واژه مجموعه را بکار برده است]. خطوات البحث به جای محتويات البحث یا محاور البحث

(۲۸). إقامة به جای اعداد (۳۰). الكادر به جای الأعضاء یا الأفراد (۳۱). عقد اتفاقیات تعاون و تبادل معلومات و خبرات و زيارت باحثين، به جای عقد اتفاقیات التعاون و تبادل المعلومات و الخبرات و الزيارات للباحثين (۳۰). مخرجات به جای إنتاجات (۳۱). عددٌ به جای اذْكَرٌ (۳۲). قائمة محتوياتها به جای فهرس محتوياتها (۳۲). وضع و صياغة الفرضيات به جای وضع الفرضيات و صياغتها (۳۵). موضوع و محتوى الظاهرة المدروسة به جای موضوع الظاهرة المدروسة و محتواها (۳۵). مناهج و أساليب البحث العلمي به جای مناهج البحث العلمي و أساليبه (۳۵). إهمال لغة و دقة و تسلسل عبارات و فقرات التقرير به جای إهمال لغة العبارات و فقرات التقرير و دقتها و تسلسلها (۳۲۸). أساليب البحث العلمي به جای مناهج البحث العلمي (۳۶ و ۴۰). تشتمل مجموعة من المراحل به جای تشتمل على مجموعة من المراحل (۳۶). في دراسات المنهج التاريخي به جای في الدراسات التاريخية (۴۳). صحة و موضوعية النتائج به جای صحة النتائج و موضوعيتها (۵۸). المعدل التراكمي به جای المعدل الإجمالي (۷۲). إعطاء به جای تعيين (۸۵). الفاكس به جای الناسوخ (۱۰۰). حاليا به جای فوراً (۱۰۱). كان طويلا به جای كانت طويلة (۱۰۱). لقاء يتم بين الشخص المقابل (الباحث أو من ينوب عنه) الذي يقوم بطرح مجموعة من الأسئلة على الأشخاص المستجيبين و جهة لوجه. بين الشخص المقابل و بين من؟ (۱۰). التعرف به جای التعرف (۱۶۱). أيّ ظاهرتين به جای أيّة ظاهرتين (۲۱۷). لأفراد المجتمع كافة الذي تخدمه به جای لكافة أفراد المجتمع الذي تخدمه (۲۴۳). في متن البحث به جای في نصّ البحث (۲۹۶). همجنين متن البحث به جای صلب البحث (۳۱۹). و نقد تقريره من آخرين مختصين به جای من قبل آخرين مختصين (۳۲۱). استخدام فعل ماضى عند تقريرك للبحث به جای استخدام فعل ماض (۳۲۱). أخطاء بمراجعة الدراسات السابقة به جای أخطاء خاصة بمراجعة الدراسات السابقة أو أخطاء في مراجعة الدراسات السابقة (۳۲۵). ممّا يؤدّي لفقدان الباحث به جای ممّا يؤدّي إلى فقدان الباحث (۳۲۸). قائمة المحتويات به جای فهرس المحتويات (۳۴۵).

از دیگر نواقص لغوی در این زمینه استفاده از واژه‌ها و عبارتهایی که چندان رایج نبوده و به ندرت استفاده می‌شوند، و به همین دلیل مبهم و ناشناخته بوده است. به نظر می‌رسد استفاده نویسنده از کلمات انگلیسی یا محلی بر این ابهام افزوده است. واژه‌های انگلیسی مانند: کاسیت، کارتردج، میکروفیش، آلترا فیش؛ که گاهی بدون معادل عربی آمده‌اند. (۱۴۹، ۱۴۹). واژه‌ها و ترکیبهای مبهم مانند: بعض عدع الفهارس (۱۴۰). يكون الميكروفيلم في شكل



تحلیل انتقادی کتاب: «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه وأساسيه، إجراءاته» ... (صادق عسکری) ۲۹۳

بكرة مفتوحة (۱۴۸). النقاط التي إحدائياتها الأولى (۱۸۷). الوسط الحسابي، حالة الوسيط و المنوال، (۱۹۷).

همچنین در کنار نواقص و غلطهای صرفی و نحوی و لغوی فوق الذکر، نویسنده محترم در این اثر گاهی از کلمات و واژه‌های زائد و تکراری استفاده نموده است از قبیل: کَلَّمَا كان حجم العينة كبيراً کَلَّمَا كان تمثيلها أفضل (۱۶۳) به نظر می‌رسد تکرار "کَلَّمَا" از خطاهای شایع در زبان عربی امروزی است. يجب مراعاة ذكر ما يلي به جای يجب مراعاة ما يلي یا يجب ذكر ما يلي (۱۸۳). الطلاب الذكور به جای الطلاب (۱۸۵). [الذکور زائد است بویژه بعد از طلاب الذکور طالبات نیز آمده است] گذاشتن پراتنز اضافی برای کلمه عامّة در عبارت: أن تكون (عامّة) لجميع المواطنين. همچنین در سطر بعدی أن تقدّم خدماتها (لعامّة) الناس. (۲۴۵).

### ۴.۲.۳ مؤلفه‌های جامعیت صوری

مؤلفه های جامعیت صوری در این اثر ناقص و ضعیف است. نویسنده در ابتدای کتاب یک مقدمه ناقص آورده است که علمی و روشمند نبوده است. و از نتیجه گیری و خاتمه در آخر کتاب هم خبری نیست. در خصوص فصلها هم همین نقص و آشفتگی مشاهده می‌گردد. یعنی برخی فصلها مقدمه دارند ولی برخی فصلها مقدمه ندارند. شگفت‌آور اینکه هیچیک از فصلهای نه گانه کتاب هم خاتمه و نتیجه گیری ندارد. همچنین تنها فهرست کتاب فهرست محتویات و لیست منابع بوده و از نمایه سازی و فهرستهای متنوع دیگر بویژه فهرست اصطلاحات که در این کتاب بسیار ضروری به نظر می‌رسید، خبری نیست. در این کتاب از ابزارهای و مؤلفه های دیگر از قبیل تمرین و آزمون و جدول و تصویر و نمودار نیز استفاده شده است، که قطعاً در تفهیم بهتر مفاهیم مفید می‌باشد. البته همانطور که قبلاً هم اشاره شد به نظر می‌رسد نویسنده در استفاده از نمودارها و آمارها و جدولها در فصلهای ششم و هفتم زیاده روی کرده است که به دلیل کاربرد اندک و ابهام و غموض در محتوا و ماهیت بسیاری از این نمودارها و جدولها، باعث وقفه و آشفتگی در سیر مطالب گردید.

### ۵.۲.۳ استنادات و ارجاعات

آخرین نکته در بیان نکات ضعف شکلی، عدم دقت لازم در استنادات و رعایت اصول ارجاع دهی می باشد. اولین نقص عجیب در این خصوص، این است که علاوه بر لیست یازده صفحه ای منابع که در پایان کتاب، (۳۳۳ تا ۴۳۴) با عنوان «قائمة ببیلوگرافیه بالکتب العربیه» آمده است، دو لیست منابع در پایان فصلهای چهارم (۱۵۲ و ۱۵۳) و ششم (۲۴۰) آمده است. و عجیب اینکه برخی از منابع ذکر شده در فصل چهارم در لیست منابع آخر فصل آمده و برخی دیگر در لیست منابع پایان کتاب. قطعاً اینگونه آشفتگی با هیچ روشی قابل توجیه و اغماض نیست.

علاوه بر آن، نویسنده محترم در پاورقی کتاب به ۱۹ منبع به زبان انگلیسی ارجاع داده است، ولی هیچکدام از این منابع انگلیسی، در کتابنامه ذکر نشده است. به نظر می رسد این خطای آشکار ناشی از اقتباس و نقل با واسطه باشد. یعنی نویسنده محترم مطالب مذکور از منابع انگلیسی را با واسطه از روی منابع عربی ذکر شده در کتابنامه، نقل کرده است. و بلافاصله در پاورقی همان صفحه به منبع انگلیسی ذکر شده در پاورقی منبع عربی واسطه ای اشاره نموده است، اما در کتابنامه این منابع انگلیسی را نیاورده است. که این خود خطای دیگری در ارجاع دهی می باشد. چرا که در نقل با واسطه، پس از ذکر منبع اولیه انگلیسی، باید منبع عربی که مطلب مورد نظر مستقیماً از آن گرفته شده است نیز ذکر گردد.

فقدان وحدت رویه در تنظیم پاورقی ها نیز نقص دیگری در زمینه ارجاع دهی است. چرا که گاهی شماره ارجاع در ابتدای اقتباسات آمده است و گاهی در پایان اقتباس. (۱۴ و ۱۵) و عجیب اینکه گاهی شماره ارجاع برای یک اقتباس دو بار آمده است یک بار در ابتدای متن اقتباس شده و یک بار هم در پایان متن. (۳۷)

نکته دیگر در این زمینه اینکه چگونگی تدوین منابع و تنظیم کتابنامه می باشد. اسامی نویسندگان در کتابنامه در یک سطر مستقل آمده و عنوان کتاب و دیگر معلومات کتابشناسی پس از آن در زیر نام نویسندگان در سطر بعدی آمده است که به نظر حقیر چنین سبک تنظیم کتابنامه چندان رایج نمی باشد. هیچ یک از عناوین کتابها برجسته و متمایز نشده است. یعنی نه سیاه (Bold) شده و نه با حروف مایل (Italic) نوشته شده و نه خطی زیر آن کشیده شده است. مکان چاپ و نوبت چاپ در برخی منابع ذکر نشده است. تعداد صفحات در بسیاری از منابع ذکر شده است که نکته مثبتی است. ولی همین نکته مثبت برای برخی از

منابع ذکر نشده است. این نواقص گر چه شکلی و کم اهمیت و قابل اغماض می باشند، ولی تکرار فراوان آن در سراسر کتاب، نشانه کم دقتی و عدم توجه و اهتمام نویسنده بوده که از یک نقص بزرگی به نام بی نظمی و آشفتگی حکایت می کند.

آنچه که تا کنون در این مبحث گفته شد نمونه هایی از نواقصی بود که در بررسی شکلی کتاب حاضر یافت شد. و امید است این نواقص که غالباً ناشی از خطاهای تایپی و یا لغوی و تعبیری و یا خطاهایی ناشی از عدم توجه به معیارهای روش تحقیق می باشد، در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف گردد.

#### ۴. ارزیابی محتوایی

از آنجایی که بررسی محتوایی هر اثری از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، لذا برخلاف مبحث اول که در یک نگاه کلی به دو بخش نکات قوت و ضعف تقسیم شده بود، بررسی محتوایی کتاب حاضر را به پنج بخش تقسیم نموده و برای هر بخش عنوانی که متناسب با مضمون و محتوای آن است، برگزیدیم. این پنج بخش عبارتند از:

۱. انتخاب موضوع و تنظیم عنوان
۲. فصل بندی و تنظیم عناوین داخلی بابها و فصل‌ها
۳. جایگاه منابع و مراجع استنادی
۴. کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده‌ها و معلومات
۵. میزان نوآوری و تولید علم

باید دانست که علت انتخاب این بخش‌ها در بررسی محتوایی هر اثر آن است که تقسیم هر مبحث به نکات قوت و ضعف نشانه سطحی و کلیشه ای بودن عناوین انتخاب شده می باشد. لذا در بررسی شکلی که نوعی بررسی ظاهری و سطحی است از عناوین کلی و کلیشه ای استفاده نمودیم. اما در بررسی محتوایی بهتر دیدیم که با توجه به مباحث و معیارهای پنجگانه در بررسی محتوایی، هر معیار را در بخش مستقل و تحت عنوان متناسب با آن معیار بررسی نماییم. بدون شک این سخن بدان معنی نیست که ما در بررسی محتوایی به نکات قوت و ضعف نمی پردازیم، بلکه بر عکس در هریک از این بخش‌های پنجگانه ابتدا به نکات قوت و سپس به نکات ضعف اشاره می نماییم.

#### ۱.۴ انتخاب موضوع و تنظیم عنوان

آنچه که به عنوان اولین و شاید مهمترین معیار ارزش گذاری آثار علمی و تألیفات دانشگاهی مورد تأکید صاحب‌نظران عرصه تحقیق و تألیفات علمی و دانشگاهی می باشد، انتخاب موضوع و تنظیم عنوان مناسب برای آن است. باید دانست که دانشمندان و محققان با توجه به نوع و حجم تحقیق، چند و یژگی یا به عبارت دیگر چند معیار را برای انتخاب موضوع و تنظیم عنوان مناسب برای آن بیان نمودند. (ضیف، ۱۹۷۲: ۱۸-۲۰؛ شلبي، ۱۹۷۴: ۸-۹؛ سنو، ۲۰۰۱، جامعه القديس يوسف؛ مشکين فام، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱؛ صابري، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۲؛ نادري و سيف نراقي، ۱۳۷۲: ۵۱ و ۲۰۱)

اینک ما ضمن اشاره به مشهورترین این معیارها، نکته نظرات خود را در مورد میزان پابندی نویسنده محترم کتاب به این معیارها به تفصیل بیان می کنیم.

#### ۱.۱.۴ جدید و نو بودن موضوع

باید گفت که متأسفانه موضوع کتاب حاضر، جدید و بکر نیست؛ چرا که نویسنده خود در لیست منابع بیش از ۱۰۰ کتاب را به عنوان منبع مورد استفاده خود ذکر کرد که تمامی آنها پیرامون روش تحقیق بوده است. علاوه بر آن کتابهای متعدّد و بی شمار دیگری در زمینه روش تحقیق نگاشته شده است، که مورد استفاده نویسنده در این کتاب نبوده لذا در لیست منابع نیامده است. کتابهایی مانند: «البحث الأدبی» تألیف شوقی ضیف، و کتاب «کیف تکتب بحثاً أو رسالة» تألیف أحد شلبي، «أساسيات البحث العلمي و التحليل الإحصائي» تألیف عبد الحمید البلداوری، «التفكير و البحث العلمي» تألیف محمد بکر نوفل و فریاد أبو عواد، «تحليل المحتوى فی العلوم الإنسانية» تألیف رشدی أحمد طعیمة، «خطوات البحث العلمي، من تحديد المشكلة إلى تفسير النتيجة» تألیف عقیل حسین عقیل، «کیف تعدّ رسالة دكتوراه؛ تقنيات و طرائق البحث و الدراسة و الكتابة» تألیف أومبرتو أیکو و ترجمه علی منوفی، «منهج البحث العلمي و كتابة الرسائل» تألیف موفق بن عبد الله بن عبد القادر.

شکی نیست که این کتابهای روش تحقیق که خود نویسنده به آنها اشاره کرده است و کتابهای روش تحقیق که ما در اینجا ذکر کردیم، همه کتابهای روش تحقیق نیست که در کشورهای عربی چاپ شده است، بلکه قطعاً کتابهای روش تحقیق فراوان دیگری وجود دارد که در کشورهای مختلف عربی چاپ شده است و نه بنده و نه نویسنده محترم از آنها اطلاعی نداریم.

اینک سوال اساسی این است که با توجه به وجود آثاری که قطعا بهتر و عمیقتر پیرامون روش تحقیق نوشته شده اند، و به راحتی هم در دسترس علاقمندان هستند، و با توجه به اینکه این کتاب بیشتر گردآوری از منابع متعدد به زبان عربی بوده و نویسنده محترم هیچگونه ابتکار و نوآوری و یا رویکرد جدیدی در این کتاب ارائه نکرده است، چه ضرورتی برای انتشار این کتاب و وجود داشته است؟

#### ۲.۱.۴ مفید بودن

شکی نیست که جدید بودن و مفید بودن هر مطلب و موضوعی نزد هر خواننده ای بنا بر وسعت و محدوده معلومات و اطلاعات و ی متفاوت می باشد. به عنوان مثال موضوعی که برای برخی از پژوهشگر جوان و کم تجربه جدید و مفید محسوب می شود ممکن است برای استادان با سابقه تکراری و بی فایده باشد. همچنین آنچه که برای استادی تکراری و کم فایده محسوب می شود ممکن است برای دانشجویان کارشناسی ارشد جدید و مفید باشد. لذا به ناچار باید اعتراف نماییم که تعیین دقیق مصادیق و موضوعات جدید و مفید کار ساده و آسانی نمی باشد.

اینک با توجه به مطالب فوق و مطالبی که در بند قبل پیرامون تکراری بودن موضوع کتاب ذکر شد، باید گفت که اثر حاضر به دلیل تکراری بودن و جمع آوری مطالب از منابع دیگر نمی تواند برای پژوهشگران این رشته مفید باشد.

#### ۳.۱.۴ محدود و محصور بودن موضوع

لازم به یاد آوری است که محدود و محصور بودن یا به عبارتی جزئی بودن موضوع هر پژوهش با توجه به نوع و هدف آن مورد بررسی قرار می گیرد. به عنوان مثال مفهوم موضوع محدود در پایان نامه دکتری با مفهوم آن در پایان نامه کارشناسی ارشد و یا در یک مقاله پژوهشی در مجلات علمی متفاوت است.

با این توضیح مختصر در این زمینه، باید گفت که موضوع کتاب حاضر تا حدود زیادی محدود می باشد و از این بابت کتاب حاضر قابل قبول می باشد.

#### ۴.۱.۴ داشتن عنوان واضح و جذاب و حتی‌المقدور مختصر

باید گفت که عنوان کتاب حاضر کاملاً واضح و جذاب و به دلیل در بر داشتن تمامی مباحث و موضوعات بابها و فصلهای متعدد کتاب، خوب و قابل قبول می باشد. اما درخصوص مختصر بودن عنوان، باید گفت که کلمه «أسالیبه» در عنوان زائد است. چرا که کلمه «مناهیجه» که قبل از آن آمده است، ما را از آوردن این کلمه مترادف بی نیاز می کند.

#### ۲.۴ فصل‌بندی و تنظیم باب‌ها و فصل‌ها و عناوین داخلی

انتخاب مباحث فرعی و تنظیم عنوان‌های داخلی در هر اثر علمی و دانشگاهی، یکی از مهمترین معیارها در ارزیابی تسلط و اشراف همه جانبه نویسنده بر عناصر و جوانب موضوع می باشد. و عبارت است از انتخاب و تعیین راههایی که پژوهشگر آن را در ذهن خود ترسیم نموده تا از طریق آن به هدف مورد نظر در تحقیق خود دست یابد. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۲: ۲۰۱؛ شلیبی، ۱۹۷۴: ۳۳).

باید دانست موضوع هر پژوهش عناصر و قضایای مخصوص به خود دارد که با آثار و موضوعات دیگر متفاوت است، لذا پژوهشگر باید آن عناصر و اندیشه‌ها را استخراج کرده و با کنار هم قرار دادن منطقی آنها مباحث و عنوانهای فرعی مقاله را تنظیم کند. بدین ترتیب که عنصر اصلی و مسأله اساسی را عنوان مقاله و عناصر فرعی و ثانویه را به عنوان مباحث و عناوین فرعی مقاله قرار می دهد (علی صابری، ۱۳۸۴: ۲۳؛ احمد شلیبی، ۱۹۷۴: ۳۵).

#### ۱.۲.۴ انسجام فصل‌ها و نظم منطقی عناوین اصلی کتاب

نویسندگان محترم تلاش کرده است تا در این کتاب انسجام مطالب و تسلسل منطقی و تنظیم فصل‌ها را حفظ نموده و در این راستا تا حدودی موفق بوده است. با این حال کتاب حاضر تنظیم فصل‌ها دارای نواقص فراوانی می باشد. نویسنده اثر خود را به نه فصل به ترتیب زیر تقسیم کرده است:

فصل اول: مفهوم و اهداف تحقیق علمی

فصل دوم: روشهای تحقیق علمی

فصل سوم: مشکل و موضوع تحقیق و فرضیه‌ها

فصل چهارم: روشها و ابزارهای جمع آوری معلومات

فصل پنجم: نمونه گیری

فصل ششم: آمارگیری

فصل هفتم: کتابخانه ها

فصل هشتم: مستندسازی و ارجاع دهی

فصل نهم: نگارش گزارش تحقیق

ملاحظه می شود که چهار فصل اول دارای انسجام و تسلسل منطقی و قابل قبولی می باشند، اما از فصل پنجم انسجام و سیر منطقی فصلها بهم می خورد. چرا که به نظر می رسد فصلهای هفتم و هشتم باید بلافاصله پس از فصل چهارم بیاید، چرا که شناسایی کتابخانه ها و چگونگی استفاده از آنها و همچنین اقتباس و ارجاع و مستندسازی که موضوع اصلی فصلهای هفتم و هشتم هستند خود زیر مجموعه جمع آوری منابع و معلومات پیرامون تحقیق بوده که لازمه آن مراجعه به کتابخانه و اقتباس و ارجاع و مستندسازی می باشد.

البته همانطور که قبلا اشاره شد به نظر می رسد فصل های ششم و هفتم دارای تفصیل زائد بوده و لذا بهتر بود نویسنده محترم پس از مختصر کردن این دو فصل، مطالب ضروری و مهم آن را به عنوان مباحثی از فصل چهارم قرار می داد. از سوی دیگر فصلهای پنجم و ششم هم که پیرامون نمونه گیری و بررسی آماری است، باید به عنوان ابزارهای تجزیه و تحلیل، زیرمجموعه فصل کلی دیگری با عنوان تجزیه و تحلیل داده ها قرار می گرفت.

نکته مهم دیگر پیرامون انسجام و تسلسل منطقی فصلها این است که نویسنده محترم در این اثر خود به موضوع بسیار مهم هر پژوهش یعنی فصل بندی و چگونگی تنظیم محورهای پژوهش، که یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی و موفقیت یک پژوهش می باشد. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۲: ۲۰۱؛ قرا ملکی، ۱۳۸۵: ۳۴۷؛ خاکی، ۱۳۸۶: ۳۰۸؛ دلاور، ۱۳۸۵: ۳۷؛ خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۷۱). نپرداخته است. این موضوع بسیار مهم که در غالب کتابهای روش تحقیق به صورت یک فصل مستقل بررسی شده است، در این اثر مغفول مانده است. لذا به نظر میرسد نویسنده محترم باید پس از فصل دوم و سوم کتاب خود که مربوط به انتخاب موضوع پژوهش و جستجو و جمع آوری منابع و مطالعه و پیش برداری داده ها و معلومات میباشد، فصل مستقلی را به معیارهای فصل بندی پژوهش

اختصاص میداد. (۱) البته نویسنده محترم در آخرین فصل کتاب خود یعنی در صفحه ۳۱۹، در مبحث کوتاهی با عنوان «إعداد مخطّط البحث» که کل مبحث به اندازه نصف صفحه می‌باشد، به طور خیلی مختصر، اشاره ای گذرا به موضوع و اهمیت فصل‌بندی داشته است، که هرگز نمی‌تواند حق مطلبی به این مهمی را به خوبی ادا نماید.

#### ۲.۲.۴ انسجام مطالب در درون فصل‌ها و نظم منطقی عناوین جزئی کتاب

رعایت نظم منطقی و انسجام مطالب اثر در درون فصلهای این کتاب هم مانند نظم کلی و محورهای اصلی کتاب، دارای نواقص بارزی می‌باشد. با بررسی دقیق کتاب در این زمینه شاهد برخی نواقص آزار دهنده می‌باشیم، که در زیر به آنها اشاره می‌گردد.

یکی از بزرگترین نواقصی که کتاب حاضر از آن رنج می‌برد، تکرار و بیان جزئیات زائد و تقسیم بندی‌های غیر ضروری می‌باشد. البته همانطور که در صفحات قبل اشاره شد، این نقص به شکل کلی تر در رعایت نظم و انسجام کلی اثر نیز وجود داشته است. به‌عنوان مثال نویسنده محترم در مبحث «تصنيف مناهج و أساليب البحث العلمی» که تنها سه صفحه کتاب را به خود اختصاص داده است، (ص ۳۶-۳۹)، ابتدا شش نوع از روش‌های تحقیق را به نقل از مارگینز (Marguis) در شش بند ذکر کرده است. سپس بلافاصله و بدون هیچگونه شرح و توضیحی پیرامون این روشهای ششگانه مذکور، به بیان انواع روش تحقیق از نظر و تنی (Whitney)، هفت نوع دیگر را در هفت بند نام برده است. سپس سه نوع از انواع روش تحقیق را از قول جابر عبد الحمید نام برده است. پس از آن پنج نوع از انواع روش تحقیق را از قول گود و سكاتس (Good & Scates) نام برده است. و در نهایت به نقل از برخی دیگر پژوهشگران، (بدون ذکر نام آنها) نه روش از روش‌های تحقیق را نام برده است.

خلاصه اینکه نویسنده در این مبحث که به بیان انواع روشهای تحقیق اختصاص یافته است، به نقل از پنج کتاب انواع روشهای تحقیق را در پنج محور متوالی ذکر کرده است که همه بیشتر این روشها تکراری و مشترک بوده است. به عنوان مثال روش تحقیق تاریخی و روش تحقیق تجربی و روش تحقیق و صفی در همه این پنج محور تکرار شده است. شکی نیست که نویسنده محترم باید به جای تکرار نام این روشها در پنج پاراگراف متوالی، تنها یک بار همه این روشها را نام می‌برد. و پس از آن به این



پنج منبع ارجاع می داد. و در پایان هم به جای اکتفاء به نقل قول به شرح و توضیح این روش‌ها و بیان اختلاف نظر صاحب‌نظران در این زمینه می پرداخت.

به عنوان نمونه دیگر، بیان انواع منابع تحقیق در روش تاریخی در صفحه ۴۳ می باشد، که نویسنده محترم اینگونه منابع را به شش قسمت تقسیم کرد. که عبارتند از: ۱- السجلات و الوثائق ۲- الآثار و الشواهد التاريخية ۳- الدراسات التاريخية القيمة ۴- شهود عیان ۵- الزیارات الميدانية للمتاحف و الآثار ۶- المكتبات المختلفة و مراكز التوثيق.

با مشاهده دقیق این انواع که تنها در ۱۱ سطر آمده، و توضیحات مختصری که تنها برای سه بند اول ذکر شده است، به خوبی می توان دریافت که نویسنده محترم باز هم به تکرار و زیاده‌گویی دچار شده است. به عنوان مثال بند ۳ و بند ۶ تکرار بند اول می باشد. زیرا در ذیل بند اول تحت عنوان «السجلات و الوثائق» موارد متعددی از این نوع منابع در ۴ سطر ذکر شد، از جمله: الصحف و الكتب القديمة. در حالی که در بند ۳ نیز «الكتب و الدراسات التاريخية بأنواعها المختلفة» آمده است. علاوه بر آن در بند ۶ نیز تحت عنوان «المكتبات المختلفة و مراكز التوثيق» به همین انواع اشاره دارد. هرچند که بند ۶ با عنوان المكتبات اساسا اشاره ای به انواع منابع ندارد بلکه تنها محل جمع آوری منابع است. و عجیب اینکه در ذکر انواع منابع مربوط به بند سوم، «الوثائق و السجلات» آمده است که دقیقا همان عنوان بند اول می باشد.

نمونه دیگر از اینگونه نقصها در کتاب حاضر، مطالب مذکور در صفحه ۱۱۱ و ۱۱۲ تحت عنوان «مزایا المقابلة» است، که پیرامون مزایای مصاحبه به عنوان یکی از راههای جمع‌آوری معلومات، می باشد. نویسنده ابتدا در ۹ بند به نه مزیت مصاحبه اشاره نموده‌است. با دقت در محتوای این بندها درمی یابیم که بند هفتم تکرار بند دوم، و بند نهم تکرار بند اول می باشد. علاوه بر آن نویسنده پس از آن گویا برای تکمیل مبحث مجددا از زبان احمد الرفاعی پرداخته و در ۸ بند به ذکر مزایای مصاحبه پرداخته است، که اکثر این بندهای هشتگانه تکرار همان مواردی است که در ۹ بند قبل آمده است.

از این نمونه‌ها که بیانگر کم دقتی و عدم بازنگری کتاب توسط نویسنده محترم است، در سراسر این کتاب بسیار زیاد است که ذکر همه این موارد در این مختصر نمی گنجد. و ما در اینجا برای اجتناب از زیاده‌گویی، تنها به ذکر شماره صفحات در پاورقی اکتفا می‌کنیم. (۲) شکی نیست که تکرارهای مطالب مشابه و اقتباسات و نقل قولهای

پی‌درپی و آشفته و درهم و برهم، بیانگر فقدان رویکرد علمی دقیق بوده و تنها به هدف افزایش حجم کتاب آمده است.

#### ۳.۲.۴ فقدان توازن در حجم فصل‌ها

آخرین نکته ای که در زمینه فصل بندی و تنظیم مباحث فرعی این کتاب باید به آن اشاره کرد، فقدان توازن در حجم فصل‌های آن می باشد. هر چند با توجه به موضوع و محتوای فصل‌ها، این اختلاف در حجم فصل‌ها تا حدوی قابل توجیه می باشد، اما با این حال و جود فصل پنجم با ۱۷ صفحه، بین فصل‌های چهارم و ششم که به ترتیب دارای ۷۰ و ۶۰ صفحه می باشند، قابل دفاع نبوده و از آنجایی که بیانگر عدم رعایت رعایت انسجام و تنظیم منطقی فصل‌ها می باشد، نقص کتاب به شما می آید. البته ممکن است در ظاهر این مورد به بررسی شکلی مربوط شود، اما از آنجایی که فقدان توازن در حجم فصل‌ها ناشی از تنظیم نادرست در محتوای فصل‌ها و مباحث آن است، لذا ما ترجیح دادیم به این مورد در مبحث بررسی محتوایی اشاره نماییم.

#### ۳.۴ جایگاه منابع و مراجع استنادی و اقتباسات و ارجاعات

کمتر پژوهشگری می تواند ادعا کند که آنچه را که نوشته است تنها زائیده اندیشه خود اوست، چرا که نویسندگان غالباً معلومات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه منابع که نتیجه و ثمره تلاش‌های گذشتگان می باشد، به دست می آورند. سپس آنها را به عنوان مواد خام اولیه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده تا به نتایج جدیدی دست یابند. بر این اساس یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان آثار علمی پس از انتخاب موضوع انجام می دهند، جستجو در منابع و مراجع مختلف جهت جمع آوری معلومات لازم پیرامون موضوع می باشد (دلاور، ۱۳۸۵: ۳۷ و ۳۸. قرا مکللی، ۱۳۸۵: ۹۶). تا بر اساس اطلاعات و معلومات بدست آمده به تجزیه و تحلیل و نقد و در نهایت استنتاج و نوآوری بپردازند. و شکی نیست که هر اندازه این جستجو و سعیر و دقیقتر باشد، ارزش و اعتبار علمی اثر بیشتر خواهد بود. (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۱۳)

از سوی دیگر تمامی منابع و مصادری که پژوهشگر برای کسب معلومات پیرامون موضوع خود به آنها مراجعه می کند دارای ارزش و اعتبار یکسانی نیستند، چرا که از نظر میزان ارتباط با موضوع یا از نظر جایگاه و اعتبار نویسنده با هم متفاوت می باشد. لذا برخی

تحلیل انتقادی کتاب: «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسییه، إجراءاته» ... (صادق عسکری) ۳۰۳

از صاحب‌نظران منابع مورد استفاده در هر تحقیق را به منابع اولیه و اساسی و منابع ثانویه و جانبی تقسیم نموده و گروه اول را مصادر و گروه دوم را مراجع نامیده‌اند. (ضیف، ۲۰۰۱: ۲۳۷). اینک ما بر اساس آنچه که تا کنون در این زمینه ذکر شد، منابع و مراجع استنادی کتاب حاضر را در بندهای زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱.۳.۴ تعداد منابع

تعداد منابع مورد استفاده در این اثر قابل قبول است. لیست منابع آخر کتاب بیانگر آن است که نویسنده به بیش از ۱۰۰ منبع مراجعه نموده است، که بیانگر تلاش و اهتمام نویسنده به منابع تحقیق و جستجوی وسیع می‌باشد. تعداد زیاد منابع مورد استفاده در این کتاب به این معنی است که نویسنده محترم علاوه بر استفاده از منابع عمومی روش تحقیق، از کتاب‌ها و پژوهش‌های اختصاصی موجود پیرامون روش تحقیق در حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری، روانشناسی، جغرافیا، سیاست، اقتصاد و آمار و علم‌سنجی و کتابداری، استفاده نموده است.

هر چند تعداد کم یا زیاد منابع به تنهایی نمی‌تواند معیار علمی خوبی برای ارزیابی و سنجش منابع یک تحقیق باشد، ولی از آنجایی که این حجم از منابع متعدد و متنوع، بیانگر دقت و اهتمام نویسنده به منابع تحقیق و جستجوی وسیع و همه‌جانبه و بی‌پیرامون موضوع خود می‌باشد، لذا می‌تواند تا حدودی بیانگر اهتمام و جدیت نویسنده بوده و از مزایای این کتاب می‌باشد.

شاید بتوان گفت، تنها نقص کتاب در این زمینه عدم استفاده نویسنده از منابع روش تحقیق در ادبیات می‌باشد، به طوری که نویسنده محترم تنها از یک کتاب روش تحقیق در ادبیات با عنوان: «منهج البحث الأدبی» تألیف علی جواد الطاهر، استفاده کرده است، که این نقص ناشی از رویکرد تربیتی و آماری نویسنده می‌باشد.

#### ۲.۳.۴ تنوع منابع

از سوی دیگر علاوه بر تعداد فراوان، منابع مورد استناد در این کتاب دارای تنوع کافی بوده و نویسنده محترم از منابع متنوع روش تحقیق در حد و سببی استفاده نموده است. تنوع منابع تحقیق بدین معنی است که نویسنده علاوه بر استفاده از منابع عمومی روش تحقیق، از کتاب‌ها و پژوهش‌های اختصاصی پیرامون روش تحقیق در حوزه‌های متعدد

جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری، روانشناسی، جغرافیا، سیاست، اقتصاد و آمار و علم‌سنجی و کتابداری، استفاده نموده است. و همانطور که در بند قبل اشاره شد همین امر باعث افزایش تعداد منابع و مزیت این کتاب گردیده است.

بزرگترین نقصی که در این زمینه باید به آن اشاره شود این است که نویسنده علی‌رغم استفاده از منابع متعدّد و متنوع، متأسفانه به دلیل اکتفاء به نقل و اقتباسات پی در پی، نتوانسته است به نحو شایسته از این منابع استفاده بهینه نموده و به تجزیه و تحلیل خود عمق بخشیده تا به نوع آوری ختم گردد.

### ۳.۳.۴ جایگاه و اعتبار منابع

در زمینه جایگاه و اعتبار منابع هم باید اذعان کرد که اکثر قریب به اتفاق منابع و مراجع این کتاب دارای ارزش و اعتبار قابل قبولی برخوردار می‌باشند. چرا که استفاده نویسنده از آثار بروز و جدید و متنوع منجر به افزایش جایگاه و اعتبار منابع این کتاب گردیده است.

### ۴.۳.۴ فقدان منابع به زبان‌های خارجی

مهمترین نقص آشکاری که در این زمینه قابل ذکر است این است که منابع مورد استفاده در این کتاب تنها به زبان عربی بوده و نویسنده از هیچ کتاب و منبعی به زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی و فرانسوی و فارسی استفاده نکرده است. البته نویسنده محترم در پاورقی صفحات ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۳۸، ۶۱، ۷۵، ۷۷، ۱۲۵، ۲۷۲، جمعا به ۱۹ منبع به زبان انگلیسی ارجاع داده است، ولی هیچکدام از این منابع انگلیسی مذکور، در لیست منابع یا همان کتابنامه ذکر نشده است. لذا باید گفت که فقدان منابع به زبان‌های غیر عربی در این اثر مشهود است.

### ۵.۳.۴ میزان دقت در استنادات و ارجاعات

میزان دقت نویسنده در استنادات و رعایت اصول ارجاع دهی بسیار ضعیف است. همانطور که در صفحه ۵ این مقاله آمده است، اولین نقص در این خصوص، تکرار ثبت منابع پایان کتاب در پایان دو فصل چهارم و ششم است. علاوه بر آن، همانطور که در بند قبل اشاره شد، نویسنده محترم در پاورقی کتاب به ۱۹ منبع انگلیسی ارجاع داده است، ولی هیچکدام از این منابع انگلیسی مذکور، در کتابنامه ذکر نشده است. به نظر می‌رسد

این خطای آشکار ناشی از اقتباس و نقل با واسطه باشد. یعنی نویسنده محترم مطالب مذکور از منابع انگلیسی را با واسطه از روی منابع دیگر نقل کرده است. که این خود خطای دیگری در ارجاع دهی می باشد. چرا که در نقل با واسطه، پس از ذکر منبع اولیه انگلیسی، باید منبع عربی که مطلب مورد نظر مستقیماً از آن گرفته شده است نیز ذکر گردد. نکته دیگر در این زمینه تدوین ناقص منابع و تنظیم کتابنامه می باشد، که در صفحه ۶ به تفصیل ذکر شد. اسامی نویسندگان در کتابنامه در یک سطر مستقل آمده و هیچ یک از عناوین کتابها هم برجسته و متمایز نشده است.

این نواقص گرچه شکلی و کم اهمیت و قابل اغماض می باشند، ولی از آنجایی که نشانه کم دقتی و عدم توجه و اهتمام نویسنده بوده و متأسفانه در سراسر این کتاب مشاهده می شود، خود به خود به یک نقص بزرگی به نام بی نظمی و آشفتگی تبدیل می شود.

نکته عجیب در این زمینه این است که در سراسر فصل ششم کتاب با عنوان الإحصاء فی البحث العلمي، که دارای ۶۰ صفحه می باشد (ص ۱۷۹ تا ۲۳۹) می باشد، هیچگونه اقتباس و ارجاعی در پاورقی ها نیامده است و تنها در پایان فصل یعنی در صفحه ۲۴۰، پنج منبع تحت عنوان «مصادر الفصل السادس» ذکر شده است. و قبل از آن این عبارت آمده است: «اعتمد فصل: الإحصاء فی البحث العلمي بشكل رئيسی علی المصادر التالیة» یعنی این فصل به طور کلی بر اساس منابع زیر نوشته شده است). شکی نیست که اینگونه ارجاعات علاوه بر اینکه با اصول پژوهش علمی مطابقت نداشته و نشانه بارز عدم رعایت اخلاق پژوهش و فقدان امانت داری در اقتباسات و ارجاعات است، هرگز از نویسنده ای که می خواهد با نوشتن کتاب روش تحقیق، دقت و مهارت در پژوهش و نگارش یک اثر علمی را به خوانندگان منتقل کند، پذیرفته نخواهد بود. اینگونه نقصهای آشکار، و تفاوت بین فصل های کتاب در ارجاعات، سوء ظن خواننده را مبنی بر اینکه این کتاب دارای چند نویسنده بوده و احتمالاً از کنار هم گذاشتن تحقیقات کلاسی دانشجویان تهیه شد را تقویت می کند.

#### ۴.۴ کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده ها و معلومات

قبلاً اشاره شد که نویسنده محترم در این اثر اصلاً به دنبال تجزیه و تحلیل و نقد نبوده است، بلکه بیشتر به دنبال تدوین و گردآوری مطالب پیرامون روش تحقیق بوده و اصلاً زحمت

تجزیه و تحلیل و نقد را به خود نداده است، لذا هرگز در این کتاب تجزیه و تحلیل و نقد و نوآوری قابل قبول مشاهده نمی‌گردد.

شاید بتوان گفت که برجسته‌ترین نماد ضعف تجزیه و تحلیل و نقد در این کتاب فقدان مقدمه و خاتمه می‌باشد. چرا که میزان تجزیه و تحلیل و نقد و نوآوری در هر پژوهش از مقدمه و خاتمه علمی روشمند و دقیق، قابل شناسایی و اندازه‌گیری می‌باشد (عسکری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴). چرا که هر نویسنده در مقدمه علمی و روشمند علاوه بر بیان مساله و ضرورت و فایده پژوهش و پیشینه موضوع فرق آن با تحقیق خود، به سوالات و فرضیات و روش مخصوص خود نیز اشاره می‌کند که پاسخ دادن علمی دقیق به سوالات مد نظر نویسنده در خاتمه و نتیجه‌گیری، قطعاً منجر به نوآوری و تولید علم می‌شود.

با این توضیحات باید گفت که کتاب حاضر اصلاً خاتمه ندارد، و این خود بهترین دلیل است بر اینکه اصلاً تجزیه و تحلیل و نقد و نوآوری ندارد. علاوه بر آن مقدمه کوتاه نویسنده هم علمی و روشمند نیست. یعنی از عناصر ششگانه یک مقدمه روشمند تنها بیان مساله اهمیت موضوع و محورهای بحث را در خود جای داده است، و اثری از پیشینه تحقیق و سوالات و فرضیه‌ها و روش تحقیق نیست. و این نقصهای آشکار که ناشی از فقدان یا ضعف تجربه در زمینه روش تحقیق است، از نویسنده کتاب روش تحقیق که لازمه اش تسلط و مهارت عملی نویسنده در روش تحقیق است، هرگز پذیرفتنی و قابل اغماض نیست.

به عنوان نمونه‌هایی از ضعف تجزیه و تحلیل و فقدان نقد علمی باید به صفحه ۳۶ اشاره کرد. نویسنده در مبحثی سه صفحه‌ای، تحت عنوان «تصنیف مناہج و أسالیب البحت العلمی» به پنج تقسیم بندی و نامگذاری روشهای تحقیق اشاره نموده است، که همه این تقسیم بندی‌ها نقل نظرات دیگران و اقتباس بوده است. و نویسنده متأسفانه هیچگونه اظهار نظری در خصوص تمایز و برتری و یا تشابه و تفاوت بین آنها نکرده است. شبیه این نقص در صفحات ۱۰۶، ۳۲۸ نیز مشاهده می‌گردد.

نمونه دیگر در این زمینه را می‌توان در صفحه ۴۲ مشاهده کرد. در این صفحه مبحثی با عنوان «خطوات المنهج التاريخی» با چهار عنوان فرعی آمده است. نویسنده در ابتدای این مبحث گفته است که گامها و مراحل انجام پژوهش تاریخی شامل موارد زیر می‌باشد. و بلافاصله به کتاب «مناہج البحت فی التریبۃ و علم النفس» اثر فان دالین، ارجاع داده است. این ارجاعات بیانگر آن است که نویسنده کل این مبحث پنج صفحه‌ای را به صورت

تحلیل انتقادی کتاب: «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه وأساسيه، إجراءاته» ... (صادق عسکری) ۳۰۷

غیرمستقیم از کتاب مذکور اقتباس کرده است. که هرگز با اصول ارجاع دهی هم‌خوانی ندارد. چرا که علاوه بر تداخل و خلط بین متن اقتباس شده و سخن نویسنده، نشانه اکتفاء به نقل بدون نقد می باشد. شبیه همین نقص در صفحات ۵۹ و ۷۵ نیز مشاهده می گردد.

نکته آخر و در عین حال مهمتر اینکه، علاوه بر فقدان تجزیه و تحلیل و نقد در اکثر مباحث کتاب، نظراتی هم که گاهی اوقات ظاهراً از طرف نویسنده بیان شده است نیز اشتباه می باشد. به عنوان مثال نویسنده محترم در صفحه ۳۲۰، قسمتهای پایان نامه را به پنج قسمت به شرح تقسیم کرده است:

۱- الصفحات التمهيدية و تشمل صفحة العنوان، صفحة الإهداء، صفحة الشکر، قائمة المحتويات (۳) و..

۲- المستخلص باللغة العربية و الإنجليزية (۴)

۳- فصول الرسالة و غالباً تتكون من خمسة فصول، هي خلفية الدراسة و أهميتها، مسح الدراسات السابقة، طريقة الدراسة و إجراءاتها، مناقشة النتائج و التوصيات.

۴- قائمة المصادر و المراجع (العربية و الإنجليزية)

۵- الملاحق (إن و جدت)

مطابق موارد مذکور در بند ۳، ملاحظه می شود نویسنده محترم قسمت‌های اصلی هر پایان‌نامه را به پنج فصل تقسیم کرده است، که عبارتند از: «خلفية الدراسة و أهميتها، مسح الدراسات السابقة، طريقة الدراسة و إجراءاتها، مناقشة النتائج و التوصيات». یعنی پیشینه موضوع و اهمیت آن، بررسی و مرور پژوهشهای گذشته، روش تحقیق و اجرای آن، تجزیه و تحلیل نتایج و پیشنهادات.

در خصوص این تقسیم بندی نویسنده محترم موارد زیر قابل عرض می باشد:

اولاً: نویسنده برای تمایز این پنج بخش به جای استفاده از اعداد از ویرگول و درنهایت از حرف و او استفاده کرده است. لذا پنج بخش مورد نظر نویسنده به وضوح مشخص نیست. چرا که به نظر می رسد نویسنده پیشینه موضوع و اهمیت آن را در یک بخش قرار داده است. بر همین اساس معلوم نیست که آیا نویسنده نتایج و پیشنهادات را در یک بخش قرار داده است یا در دو بخش؟ به نظر می رسد منظور نویسنده

اینگونه بوده است: ۱- خلفیه‌ی الدراسة ۲- اهمیتها ۳- مسح الدراسات السابقة ۴- طريقة الدراسة و إجراءاتها ۵- النتائج و التوصيات.

ثانیا: عبارت های «خلفیه‌ی الدراسة و مسح الدراسات السابقة» در بخشهای اول و دوم هر دو بر یک موضوع دلالت داشته و شامل بررسی پیشینه تحقیق می باشند.

ثالثا: مهمتر از همه اینکه، هیچیک از بخشهای مذکور در این بند جزء فصل‌های پایان‌نامه نمی‌باشند. زیرا پیشینه تحقیق و اهمیت آن، و همچنین بررسی پژوهشهای گذشته روش انجام تحقیق همه این چهار مورد، بخشهای تشکیل دهنده مقدمه پایان‌نامه می باشند. از سوی دیگر نتایج تحقیق و پیشنهادات هم جزء خاتمه پایان‌نامه می باشد. شبیه این خطاها در نکته نظرات نویسنده که قطعا از سطحی نگری و شتابزدگی نشأت می گیرد، در صفحات ۵۶، ۱۲۵، ۱۳۴، ۳۰۰، ۳۰۴، و ... به و ضوح مشاهده می‌گردد.

#### ۵.۴ میزان نوآوری و تولید علم

باید گفت که گویاترین شاخص برای سنجش میزان نوآوری و تولید علم در هر اثر علمی مقدمه و خاتمه آن اثر می باشد. زیرا نویسندگان غالبا در مقدمه، پرسشهای اصلی را که در ذهن خود داشته، مطرح می کنند. و پس از جمع آوری و تجزیه و تحلیل و نقد معلومات بدست آمده، سر انجام در خاتمه کتاب به نتایج بدست آمده اشاره می نمایند، نتایجی که غالبا پاسخ همان سؤالاتی است که در مقدمه مطرح شده بود (أبو سلیمان، ۱۳۸۷: ۱۳۷؛ خاکی، ۱۳۸۶: ۵؛ خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۸: ۸۳؛ دلاور، ۱۳۸۵: ۳۳۰).

بر این اساس به نظر می رسد که نویسنده محترم در این اثر اصلا به دنبال تجزیه و تحلیل و نقد نبوده است، بلکه بیشتر به دنبال جمع آوری معلوماتی در زمینه روش تحقیق بوده است. به عبارت دیگر به نظر می رسد جهت گیری نویسنده در این کتاب بیشتر آموزشی و تعلیمی بوده نه پژوهشی و تحلیلی، لذا نمی توان از اینگونه آثار انتظار نوآوری داشت.

خلاصه سخن اینکه، تمرکز نویسنده محترم بر جمع آوری و گردآوری معلومات که گاهی بسیار بدیهی و پیش و پا افتاده می باشد، مانند تفصیل طولانی در ۱۶ صفحه پیرامون نمونه گیری در فصل پنجم، و جدولها و نمودارهای آماری در فصل ششم، چگونگی و مراحل اداری مراجعه و استفاده از کتابخانه ها در فصل هفتم، و چگونگی استفاده از



تحلیل انتقادی کتاب: «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسییه، إجراءاته» ... (صادق عسکری) ۳۰۹

خدمات اینترنت، و مهمتر از همه اضافه کردن سوالات و تمرینات در پایین همه فصلها، همه و همه بیانگر آن است که این کتاب آموزشی و مدرسه ای است، نه پژوهشی و دانشگاهی.

## ۵. نتیجه گیری

از آنچه که تا کنون در نقد و بررسی کتاب «البحث العلمي؛ أسسه، مناهجه و أساسییه، إجراءاته» اثر ربیحی مصطفی علیان، گفته شد، نتیجه گرفته می شود که کتاب حاضر علی‌رغم برخی نکات قوت، متأسفانه دارای نواقص فراوانی در عرصه های شکل و محتوا می باشد.

از جمله مزایای شکلی کتاب حاضر، انتخاب قلم مناسب با زبان عربی، دقت و مهارت در حروف چینی و صفحه آرایی است. به طوری که کلمات و سطرها و صفحات برای خواننده چشم نواز بوده و مطالعه را تا حدودی برای وی آسان می نماید. علاوه بر آن به نظر می رسد که نویسنده تلاش قابل قبولی در اجتناب از غلط‌های تایپی و املائی به خرج داده است. اما مهمترین نواقص شکلی این کتاب عبارتند از: عدم رعایت دقیق قواعد عمومی نگارش و دستور زبان و عدم ویرایش تخصصی، کاربرد برخی واژه‌ها و اصطلاحات مبهم و نامأنوس، خطاهای لغوی ناشی از عدم رعایت قواعد صرف و نحو، فقدان مقدمه روشمند در آغاز کتاب و فصلها و فقدان خاتمه در پایان کتاب و همچنین خاتمه برای تمامی فصلها، آشفتگی در تدوین منابع و تنظیم کتابنامه، عدم دقت لازم در استنادات و اصول ارجاع دهی، فقدان وحدت رویه در تنظیم پاورقی ها.

از سوی دیگر بررسی محتوایی نشان می دهد که مهمترین مزیت این کتاب در زمینه محتوا، انتخاب عنوان قابل قبول، استفاده از منابع متعدّد و متنوع و قابل قبول می باشد. اما مهمترین نواقص محتوایی موجود در این کتاب عبارتند از: تکراری بودن موضوع، آشفتگی و نواقص فراوان در فصل بندی تنظیم مباحث، بررسی سطحی و شتابزده، اقتباسات متوالی و تکیه بر تدوین و جمع آوری ناشی از رویکرد آموزشی و در نتیجه فقدان تحلیل و نقد و استنتاج و نوآوری در غالب مباحث.

## پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است که فصل بندی و تعیین محورهای یک تحقیق در دو مرحله انجام می‌شود: مرحله اول به صورت فرضی است که پس از انتخاب موضوع تحقیق و مطالعه اولیه و گذار پیرامون موضوع انجام می‌شود. و مرحله دوم فصل بندی نهایی است که پس از مطالعه دقیق منابع و فیش برداری و جمع‌آوری معلومات انجام شده و گزارش نهایی تحقیق بر اساس آن تدوین می‌گردد.
۲. برای مشاهده موارد دیگر از این قبیل نقصها به صفحات ۶۲، ۷۰، ۷۱، ۹۰، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۵.
۳. لازم به ذکر است که کاربرد قائمه‌المحتویات در اینجا درست نیست و بهتر است از واژه فهرس استفاده شود.
۴. این قسمت از پایان‌نامه یعنی چکیده‌ها یا حداقل چکیده انگلیسی معمولاً در آخر پایان‌نامه می‌آید

## کتاب‌نامه

- أبو سلیمان، عبد الوهّاب، (۱۳۷۸). روش تحقیق علمی به زبان عربی، ترجمه باقر حسینی و ملیحه طوسی، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۶). روش تحقیق: با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات بازتاب.
- خورشیدی، عباس و همکاران، (۱۳۷۸). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری (از نظریه تا عمل)، چاپ اول، تهران: انتشارات نوین پژوهش.
- دلاور، علی، (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- زرین کوب، عبد الحسین، (۲۵۳۶). یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات جاویدان.
- قرا مکی، أحد فرامرز، (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم، (۱۳۷۲). روش‌های تحقیق در علوم انسانی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بدر.
- خلیفة شعبان، (۲۰۱۱) دائرة المعارف العربیة فی علوم المکتبات و المعلومات، المجلد الثامن عشر، القاهرة، الدار المصریة اللبنانیة.

تحليل انتقادی کتاب: «البحث العلمی؛ أسسه، مناهجه وأساليبه، إجراءاته» ... (صادق عسکری) ۳۱۱

سنو، أهيف، (۲۰۰۱). محاضرات في منهجية البحث، بيروت، جامعة القديس يوسف، معهد الآداب الشرقية.  
شلي، أحمد، (۱۹۷۴). كيف تكتب بحثاً أو رسالة، الطبعة الثامنة، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.  
صابري، علي، (۱۳۸۴). المنهج الصحيح في كتابة البحث الأدبي، چاپ اول، تهران، انتشارات شرح.  
ضيف، شوقي، (۱۹۷۲). البحث الأدبي: طبيعته، مناهجه، أصوله، مصادره، الطبعة السابعة، القاهرة: دار المعارف.

عسکری، صادق، (۱۳۹۳) «المعايير المنهجية و التقديمية المطلوبة لنشر المقالات العلمية»، مجلة دراسات في اللغة العربية وآدابها، العدد ۱۹، ص ۹۵-۱۲۰.

عليان، ریحی مصطفی، (۲۰۰۱). البحث العلمی؛ أسسه، مناهجه وأساليبه، إجراءاته، لا طبعة، عمان (الأردن): بيت الأفكار الدولية.

عليان، ریحی مصطفی، (۲۰۱۹). الصفحة الشخصية للدكتور ریحی عليان في موقع جامعة أردن، ۹۷/۱۱/۱۰  
<http://academic.ju.edu.jo/r.elayyan/default.aspx> ۲۰۱۹/۱/۳۰=

مشكين فام، بتول، (۱۳۸۶). البحث الأدبي؛ مناهجه و مصادره، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی